

از هشدار حزب‌الله تا امر ونهی پاریس
بیم و امید در لبنان!

حزب‌الله لبنان تأکید کرد که وجود نخست‌وزیر موقت یا کسی که او برای ریاست دولت انتخاب می‌کند به لبنان کمک می‌کند چراکه در سطح بین‌المللی مورد قبول است. به گزارش روزنامه فرامنطقه‌ای الشرق الاوسط، محمود قماطی، وزیر مشاور در امور پارلمانی در دولت موقت لبنان گفت: وجود نخست‌وزیر موقت یا کسی که او برای ریاست دولت انتخاب کند به لبنان کمک می‌کند چراکه در سطح بین‌المللی مورد قبول است. وی بر پابندی به سعد حریری برای نخست‌وزیری به دلیل اینکه نماینده سنی‌هاست و به دلیل نقشش در بحران کنونی تأکید کرد. وی تأکید کرد که فضای مثبتی برای حل بحران بار رسیدن پیام بین‌المللی به گروه‌های سیاسی مختلف ایجاد شده است. وی طرف‌های بین‌المللی یا ماهیت این پیام‌ها را اعلام نکرد. اظهارات قماطی در حالی ایراد شده که هیچ‌گونه نشانه جدیدی درباره حل بحران کنونی وجود ندارد چراکه سعد حریری با تصدی پست نخست‌وزیری مخالفت کرده است و جریان المستقبل هم تأکید کرده که نباید حریری را مسؤول تأخیر در تشکیل دولت دانست. ولید البعیرینی، عضو فراکسیون المستقبل اعلام کرد: چرا از حریری می‌خواهید به گونه‌ای بر خورد کند که شما در ایام خلأ ریاست‌جمهوری بر خورد نمی‌کردید. آیا راضی هستید با شروطی که شما را قانع نمی‌کند نامزدی را تعیین کند. چر ا بر خورد آن روزتان را حق می‌دانید و موضع حریری را کارشکنی در تشکیل دولت. حزب‌الله بر تشکیل دولت تکنوسیاسی تأکید دارد اما حریری و تیم‌وی این مساله را قبول ندارند. قماطی گفت: جایز نیست که سیاست خارجی با دولت تکنوکرات اداره شود در حالی که وزارخانه‌هایی هستند که باید در آن‌ها ذهن سیاسی وجود داشته باشد. چرا حریری دولت تکنوسیاسی را قبول نمی‌کند؟

محمد فنیش، وزیر ورزش و جوانان در دولت موقت گفت: ما با تغییر معادله‌ای که در پی نتایج انتخابات ایجاد شده، مخالفیم. شعارهای مشروع بر اساس تحرکات مردمی هیچ ارتباطی با نظام و قانون اساسی ما ندارد. حسن فضل‌الله، نماینده پارلمان لبنان نیز گفت: ما خواهان دولتی منسجم هستیم. اگر همگان بحرانی را که با آن مواجهیم نبینند اوضاع بحرانی‌تر می‌شود برای همین موضوع دولت به توافق‌های بین گروه‌های اصلی نیاز دارد.



بدون توافق هیچ کسی نمی‌تواند به تنهایی بار این بحران را تحمل کند. در نتیجه باید همگان به مسؤولیت خود در مقابله با این بحران عمل کنند. تیمور جنبلاط، رئیس حزب «اللقاء الديموقراطي» بر لزوم تسریع در تشکیل دولتی که مورد اعتماد باشد و نگرانی‌های اقتصادی را بر طرف کند تأکید کرد. در این میان «هاشم صفی‌الدین»، رئیس شورای اجرایی حزب‌الله لبنان اظهار کرد: لبنانی‌ها باید واقع‌گرایانه به رخدادهای کشور بنگرند و تمامی گروه‌های سیاسی، تظاهرکننده و رسانه‌ها باید برای دستیابی به راه‌حلی جهت حفاظت از کشور تلاش کنند. صفی‌الدین هشدار داد: اگر کشور سقوط کند و به انحطاط کشیده شود، آن وقت عده‌ای پشیمان خواهند شد اما پشیمانی سودی ندارد. رئیس شورای اجرایی حزب‌الله لبنان در ادامه این سخن سید حسن نصرالله، دبیر کل این حزب را یادآور شد که «برای حزب‌الله اهمیت دارد کشور باثبات بماند و کسی که می‌تواند مانع از فروپاشی کشور شود، خود لبنانی‌ها هستند».

او همچنین تأکید کرد، اکنون زمان مناسبی برای تسویه حساب‌های سیاسی نیست و باید رسیدگی جدی به مساله آغاز شود و فریادهای مردم شنیده شود. این در حالیتی که روزنامه «الأنباء» کویت با انتشار خبری درباره تحولات اخیر لبنان، نوشت، پاریس به میشل عون، رئیس جمهوری لبنان توصیه کرده بار دیگر سعد حریری را مامور تشکیل دولت جدید کند، یا اینکه گزینه «حکومت نظامی» را انتخاب کند. این روزنامه به نقل از منابعی که آن‌ها را موثق خوانده، گزارش داد: آمریکا عناوین اصلی را برای وضعیت لبنان وضع و پاریس را مامور بررسی جزئیات در این باره کرده است.

گزارش «توسعه ایرانی» از سناریوی پیچیده آمریکا در شمال آفریقا

بلوک‌بندی در قاره سیاه



فرشاد گلزاری

راهبردهای ایالات متحده را نباید به صورت تک قطبی مورد تحلیل قرار داد. تردید وجود ندارد که راهبرد هر کشور تشکیل شده از سه ضلع اصلی است و این مولفه‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، بر اساس اهداف دولت مذکور متغیر است. این سه ضلع عبار تند از سیاست، اقتصاد و امنیت که می‌تواند با محورهای اجتماعی، مذهبی و قومی در آمیخته شود یا حتی آن‌ها را به عنوان یک هدف، مورد ضربه قرار؛ تا جایی که ممکن است احتمال رخ دادن یک آپار تاید را فراهم آورد. این روند از سال‌ها قبل توسط آمریکا در دستور کار بوده و بر اساس هر مقطع زمانی و مکانی سناریوی جدیدی را رقم زده است. در این میان باید مخاطبان توجه داشته باشند که علیرغم آنچه در رسانه‌ها و افکار عمومی می‌گذرد، سیاست‌های ایالات متحده در سه فاز کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت طراحی و اجرایی شود. اگر چه هر دولتی که در آمریکا روی کار می‌آید به مر کزیت کاخ سفید چهار رکن اصلی این کشور (پنتاگون، سیا، وزارت خار جه و وزارت خزانه‌داری) را هدایت

و رهبری می‌کند اما باید متوجه بود که اصول سیاست‌گذاری و اجرای آن به همین راحتی در آمریکا قابل شناسایی و تفسیر و تحلیل نیست. آنچه مشخص خواهد بود این است که در نوک هرم قدرت ایالات متحده سیاست‌های کلان نوشته‌می‌شوند اما اجرای آن به دولت‌ها (فارغ از دموکرات یا جمهوریخواه بودن آن) محول می‌شود. این دولت است که در کوتاه مدت سیاست‌های کلی را جلو می‌برد و از تمام بازوها و اهرم‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی خود برای تحقق سیاست‌ها استفاده می‌کند. این وضعیت در میان مدت به گونه‌ای دیگر است؛ دولت‌ها در آمریکا بر اساس سند امنیت ملی و گزینه‌های خرد سعی می‌کنند تا جایی که می‌توانند سیاست‌ها را به صورتی هدایت کنند که در پایان دور دوم خود حداقل بتوانند یک گزارش کار معقول از فرآیند و پیشرفت پرونده‌های خود به دولت‌بهدارانه کنند اما در بلند مدت، ماجرا به نحوی دیگر پیش می‌رود. واقعیت این است که راهبردهای میان مدت و کوتاه مدت ایالات متحده تنها بر اساس معادلت سیاسی جلونی می‌رود. یادمان نرود که ایالات متحده میلیاردها دلار هزینه‌ار تش و تشکیلات‌های تودر توی امنیتی و اطلاعاتی نکرده که تمام

خود را به سخنرانی روسای جمهوری خود یا مقامات سیاسی اش واگذار کند؛ بلکه در هر نقطه از زمین، اطلاعات بگرو دست نخورده است که حرف اول و آخر را می‌زند و می‌تواند راهبردهای آینده را بسازد.

در شمال آفریقا چه خبر است؟

با این پیش فرض نسبتاً طولانی (اسم لازم و واجب) اگر برای چند دقیقه از تحولات بی‌امان خاورمیانه بالآخر عراق، لبنان، ایران و... فارغ شویم و درمیان خود را به شمال آفریقا معطوف کنیم می‌بینیم که اوضاع در این ناحیه چندان خوب نیست یا حداقل، اخباری که مخابره می‌شود دست کمی از وضعیت خاورمیانه ندارد؛ بلکه زد و خوردهای وسیع نظامی، طیف‌بندی حامیان خارجی، بعلاوه دیدوبازدیدهای سیاسی آشکار و پنهان نشان می‌دهد که اتفاق‌های مهمی در جغرافیا مذکور در حال رخ دادن است. اینکه چرا جغرافیای شمال آفریقابرای آمریکا و بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مهم است، نخست ریشه در منابع نفتی و زیرزمینی این ناحیه دارد که ما دو کشور لیبی و سودان را به عنوان الگودر نظر می‌گیریم.

واشنگتن و شر کادر خارطوم

قبل از تحلیل وضعیت میدانی و

امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر و آمریکا در سودان میدان‌داری پنهان و آشکار
راه‌بعده‌دارند و همین کشورها بعلاوه ترکیه و روسیه، تقابل یا تسامح را در مورد لیبی به اجرا در آورده‌اند

سیاسی دو کشور باید به این موضوع مهم اشاره شود که در هر دو پرونده باز یگران ثابتی وجود دارند که بر اساس منافع خود در حال اعمال نفوذ هستند. امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر و آمریکا در سودان میدان‌دارهای پنهان و آشکار هستند و همین کشورها بعلاوه ترکیه و روسیه، تقابل یا تسامح را در مورد لیبی به‌اجراء در آورده‌اند. به‌عنوان مثال سه روز پیش خبرگزاری رویترز در گزارشی نوشت «محمد حمدان دقلو» معروف به «حمیدتی» که فرماندهی نیروهای واکنش سریع سودان را به‌عهده دارد در حال قاچاق طلا به امارات است! این خبرگزاری فاش کرد که خانواده حمیدتی صاحب شرکتی هستند که شمش‌های طلای این کشور به

ارزش میلیون‌ها دلار را به امارات قاچاق کرده‌اند. رویترز به نقل از شش منبع گزارش داده که گروه «الجنید» متعلق به خانواده حمیدتی این شمش‌های طلا را به امارات منتقل کرده است.

در این راستا روزهای اخیر شاهد منحل شدن «حزب کنگره ملی سودان» بودیم که به نوعی حزب عمرالبشیر به حساب می‌آمد و علاوه بر این، مجوز صادره اموال آنها توسط مقام‌های دولت گذار صادر شده است. موضوع مذکور به این جهت اهمیت دارد که چند روز پس از اعلام این خبر، روز گذشته (یکشنبه) شاهد سفر شش‌روزه «عبدالله حمدوک» نخست‌وزیر سودان به آمریکا بودیم. حمدوک در راس یک هیات‌عالی‌عازم آمریکا شده تا با مقامات این کشور برای رفع هر چه سریع‌تر تحریم‌های اقتصادی مذاکره کند؛ موضوعی که به‌وضوح نشان می‌دهد ایالات متحده به دنبال حمایت و ریشه دواندن در سودان از طریق اقتصادی و سیاسی است. این وضعیت در حالی اتفاق می‌افتد که قطر به عنوان حامل تفکر اخوانی از قدیم‌الایام با عمرالبشیر در ارتباط بود اما متمایل شدن وی به سمت سعودی‌ها باعث شد تا ریاض او را در دقایق نهایی راهی قفس‌های دادگاه خارطوم کند.

لیبی: جنگ هژمونی

در میان این اتفاق‌ها آنچه که اهمیت دارد، ورود تعدادی از خودروی زرهی و دیگر تجهیزات نظامی عربستان به استان «شیوه» در جنوب یمن است و قرار بوده از آنجا به عدن منتقل شوند. شاید عده‌ای بگویند این موضوع چه ربطی به سودان دارد؛ پاسخ را باید در حضور و اعزام مجدد هزاران نفر از اتباع سودان جست‌وجو کرد که طی چهار سال جنگ یمن توسط اماراتی‌ها اجاره شده بودند و بر خسی از منابع خبری اعلام کرده‌اند که بخشی از این نفرات برای عربستان سعودی در جنوب یمن فعالیت خواهند کرد!

حال باید از سودان و یمن به لیبی سر بز نیم؛ جایی که تقابل‌ها رنگ و بوی علنی‌تر دارند. حذف قذافی اگر چه از منظر بسیاری از تحلیلگران برای مردم لیبی یک دستاورد ملی به حساب می‌آمد اما واقعیت میدانی چیز دیگری

در سناریوی مربوط به لیبی؛ امارات، آمریکا و عربستان در یک طرف و ترکیه و قطر با حضور پنهان روسیه در طرف دیگر قرار دارند و باز یگران دیگر مانند ایتالیا و فرانسه هم در قالب ناتو، این پرونده را پیش می‌برند که هدفشان تعمیق هژمونی است

است. ژنرال خلیفه حفتر که در ساختار نظامی لیبی زمان قذافی هم حضور داشت و اتفاقاً با روسیه و آمریکا رابطه خوبی داشت، یکبار ه از طریق با پرچم «لش ملی لیبی» به سوی طرابلس در غرب لیبی لشکر کشی کرد و بهانه‌اش مقابله با ترور یسم بود. در این سناریو امارات، آمریکا و عربستان در یک طرف و ترکیه و قطر با حضور پنهان روسیه در یک طرف دیگر قرار دارند. باز یگران دیگر مانند ایتالیا و فرانسه هم در قالب ناتو، پرونده لیبی را پیش می‌برند. هدف کاملاً مشخص است: نخست، احاطه بر بکر ترین منابع نفتی دنیا که در سواح غربی لیبی قرار دارد و دوم تعمیق هژمونی موردنظرشان در طرابلس و کنار زدن دولت وفاق ملی. این در حالیتی که ۱۱ روز پیش «عبدالفتاح البرهان» رئیس شورای حاکمیتی انتقالی سودان هر گونه اعزام نیرو به لیبی برای جنگ در کنار خلیفه حفتر و یا هر گروه دیگری در لیبی را تکذیب کرد و در مقابل وبگاه «عربی ۲۱» با انتشار فیلمی از تردد شبه‌نظامیان سودانی در حدفاصله شهر بنی‌ولید و تروهونه، گزارش داد که این شبه‌نظامیان از تیپ موسوم به «لواء جابر ولواء یوسف کرکوش» وابسته به «جبهه تحریر السودان» هستند و برای کمک به خلیفه حفتر واردین کشور شده‌اند. این مسائل تنها بخشی از تحولات لیبی و سودان است که در روزهای اخیر اتفاق افتاده اما به هر حال نشان دهنده آن است که در مرکز دایره این تحولات آمریکا قرار دارد که مشغول «بلوک‌بندی جدید در قاره سیاه» است و مابقی باز یگران بر اساس منافع خود زیر چتر واشنگتن مشغول به کار هستند.



برای افسر دیگر در این پرونده حکم حبس هفت ساله صادر کرد.

یک منبع در کمیسیون حقوق بشر عراق در گفت‌وگویی ویژه با اسپوتنیک اظهار کرد: تعداد تلفات در جریان تظاهرات در مرکز و جنوب عراق به بیش از ۴۰۰ کشته و ۱۹۰ هزار زخمی رسید.

خدا حافظی موگرینی با اتحادیه اروپا

فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجه و امور امنیتی اتحادیه اروپا پس از پایان دوره فعالیتش با این اتحادیه خدا حافظی کرد. موگرینی در توییتی نوشت: «دوره خدمت من پس از پنج سال فشرده به پایان می‌رسد. از همه کسانی که در تبدیل اتحادیه اروپا به شریکی قابل اعتماد، ستون چند جانبه‌گرایی و مدافع سر سخت حقوق بشر تلاش کردند، متشکرم». به نقل از یورونیوز، وی با اشاره به واگذار کردن این سمت به جوزپ بورل به‌عنوان جانشین آینده‌اش، برای او

بهترین‌ها را آرزو کرد. موگرینی در تاریخ یک‌نوامبر ۲۰۱۴ در آس سیاست خارجه و امور امنیتی اتحادیه اروپا قرار گرفت. وی پیش از برعهده گرفتن این سمت، وزیر امور خارجه ایتالیا بود. جوزپ بورل، وزیر امور خارجه اسپانیا، به‌عنوان مسئول جدید دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا و نایب رئیس اورسولا درلاین، رئیس کمیسیون اروپا معرفی شد. انتصاب بورل به‌عنوان جانشین فدریکا موگرینی پیشتر به تصویب پارلمان اروپا رسید.



گورباچف: آمریکا از افغانستان خارج شود!

میخائیل گورباچف اظهار کرد، با اینکه همچنان میان واشنگتن و مسکو بی‌اعتمادی وجود دارد، پیمان‌های کنترل تسلیحات باید حفظ شوند و دو کشور باید به دنبال جلوگیری از بروز «جنگ واقعی» باشند. میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی در گفت‌وگو با شبکه «سی‌ان‌ان» چند روز پس از دیدار دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا با سران‌از آمریکایی مستقر در افغانستان، در پاسخ به سوالاتی درباره اینکه از خروج نیروهای شوروی از افغانستان چه درس‌هایی می‌توان گرفت، گفت: «اصلی‌ترین درسی که می‌توان از این اتفاق گرفت این است که آنان باید خارج شوند. این مساله مثل کبریت است. وقتی کبریت روشن شود، آتش گسترش می‌یابد و هنگامی که بزرگ‌ترین و هدایت‌گرترین کشورها بیش از پیش در این درگیری‌ها حضور پیدا می‌کنند، برای تمامی کشورها خطرناک می‌شود». گورباچف با اشاره به پایان پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان بر د با آمریکا ابراز امیدواری کرد که توافق کنترل تسلیحاتی احیا شود.

